

نقش واسطه‌ای نمو یافتگی عاطفی در رابطه بین الگوهای ارتباطی خانواده و همدلی

The Mediating Role of Emotional Maturity in the Relationship between Family Communication Patterns and Empathy

Neda Sabzi
PhD Candidate in
Education Psychology

Razieh Sheikholeslami, PhD
Shiraz University

راضیه شیخ‌الاسلامی
دانشیار دانشگاه شیراز

ندا سبزی
دانشجوی دکتری
روان‌شناسی تربیتی

چکیده

هدف پژوهش حاضر، تعیین نقش واسطه‌ای نمو یافتگی عاطفی در رابطه بین الگوهای ارتباطی خانواده و همدلی بود. ۳۰۰ دانشجوی (۱۷۹ دختر، ۱۲۱ پسر) بر اساس روش نمونه‌برداری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند و پرسشنامه الگوهای ارتباطی خانواده (فیتزپاتریک و ریچی، ۱۹۹۴)، مقیاس نمو یافتگی عاطفی (سینگ و بهارگاوا، ۱۹۷۴) و مقیاس همدلی (مهرابیان و اپستین، ۱۹۷۲) را تکمیل کردند. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه به شیوه همزمان نشان دادند: الف) ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده پیش‌بینی‌کننده مثبت معنادار همدلی بودند، ب) جهت‌گیری گفت‌و شنود پیش‌بینی‌کننده منفی معنادار همه مؤلفه‌های نمو یافتگی عاطفی بود، پ) جهت‌گیری هم‌نواپی پیش‌بینی‌کننده مثبت معنادار مؤلفه‌های بی‌ثباتی هیجانی و سازش‌نیافتگی اجتماعی بودند، و ت) نمو یافتگی عاطفی در رابطه بین الگوهای ارتباطی خانواده و همدلی، نقش واسطه‌ای مهمی ایفا می‌کند. با توجه به نقش نیرومند جهت‌گیری گفت‌و شنود در پیش‌بینی همدلی، می‌توان گفت آموزش و ارتقای جهت‌گیری گفت‌و شنود در خانواده‌ها به افزایش نمو یافتگی عاطفی و رفتارهای همدلانه منجر می‌شود.

واژه‌های کلیدی: الگوهای ارتباطی خانواده، نمو یافتگی عاطفی، همدلی

Abstract

This study aimed to investigate the mediating role of emotional maturity in the relationship between family communication patterns and empathy. Three hundred students (179 females, 121 males) were selected by multistage random cluster sampling method. The participants completed the Family Communication Patterns Questionnaire (Fitzpatrick & Ritchie, 1994), the Emotional Maturity Scale (Singh & Bhargava, 1974), and the Empathy Scale (Mehrabian & Epstein, 1972). The results of simultaneous multiple regression indicated that: a) dimensions of family communication patterns were the positive and significant predictor of empathy, b) the conversation orientation was negative and significant predictor of all components of emotional maturity, c) the conformity orientation was positive and significant predictor of emotional instability and social maladjustment, and d) the emotional maturity partially mediated the relationship between family communication patterns and empathy. Given the strong role of the conversation orientation in predicting empathy, it is argued that educating and promoting conversation orientation may increase the emotional maturity and empathic behavior in families.

Keywords: family communication patterns, emotional maturity, empathy

received: 24 May 2014

accepted: 12 August 2014

Contact information: Sheslami@shirazu.ac.ir

دریافت: ۹۳/۳/۳

پذیرش: ۹۳/۵/۲۱

مقدمه

این توانایی، تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار دارد.

یکی از عوامل ایجاد تمایز بین سطوح همدلی، درجه بلوغ و نمودارهای عاطفی افراد است. نمودارهای عاطفی به عنوان یکی از ابعاد بلوغ، دو تا چهار سال پس از بلوغ جسمانی یعنی در حدود ۱۴ تا ۱۸ سالگی به وقوع می‌پیوندد (غفوری، ۱۳۹۰). فردی که به نمودارهای عاطفی دست یافته است، زندگی هیجانی خود را کنترل می‌کند (چمبرلین، ۱۹۶۰)، تجارب زندگی را به عنوان تجارب یادگیری می‌پذیرد و از تجارب خوشایند لذت می‌برد. چنین فردی در رویارویی با تجارب ناخوشایند، مسئولیت فردی را پذیرفته و از آنها برای بهبود زندگی خود بهره می‌گیرد و در مواقعی که شرایط به بهترین نحو پیش نمی‌رود، برای کسب موفقیت شرایط مطلوب را جست‌وجو می‌کند (سینگ، کار و دورجا، ۲۰۱۲).

پستی و امینابهاوی (۲۰۰۶) نمودارهای عاطفی را فرایندی می‌دانند که طی آن، فرد به طور مداوم برای دستیابی به سلامت عاطفی خویش می‌کوشد. بنابراین، شخص با مهارت عواطف خود، ارضای نیازهای خود را به تأخیر می‌اندازد (صفارپور، ۱۳۸۵). نمودارهای عاطفی این قابلیت و توانایی را در فرد ایجاد می‌کند که به طور سازنده با واقعیت‌های زندگی روبه‌رو شود (مینجر، ۱۹۹۹). بر همین اساس، پنج مؤلفه برای نمودارهای عاطفی در نظر گرفته شده است که برخورداری کمتر فرد از این ویژگی‌ها، حاکی از نمودارهای عاطفی بیشتر اوست. این مؤلفه‌ها عبارتند از: بی‌ثباتی هیجانی^۱، واپس‌روی هیجانی^۲، سازش‌نا یافتگی اجتماعی^۳، فروپاشی شخصیت^۴ و فقدان استقلال^۵.

بی‌ثباتی هیجانی عبارت است از عدم توانایی در حل مشکلات، زودرنجی، آسیب‌پذیری، لجاجت و تندخویی (منصورنژاد، پورسید، کیانی و خدابخش، ۱۳۹۲). عدم تعادل و ناپایدار بودن هیجان‌های فرد، یکی از بارزترین ویژگی‌های این مؤلفه است (غفوری، ۱۳۹۰). واپس‌روی هیجانی، نشان‌دهنده عواملی چون احساس کهنتری، بی‌قراری، خصومت، پرخاشگری و خودمیان‌بینی^۶ است. در تعریف مؤلفه سازش‌نا یافتگی اجتماعی می‌توان بیان داشت شخصی که از این ویژگی برخوردار است،

همدلی^۱ توانایی ارتباط با دیگران است که از هنگام تولد تا نوجوانی به طور فزاینده‌ای متحول می‌شود (هانانیا، روسناگل، هیگینز و السندرو، ۲۰۰۰). این فرایند با حمایت از فعالیت‌های مشترک و انسجام گروهی، فرد را توانمند کرده و زندگی اجتماعی او را تحت تأثیر قرار می‌دهد (ریف، کتلیر و ویفرینک، ۲۰۱۰). همدلی عبارت است از توانایی درک هیجان‌ها و افکار دیگران و همچنین پاسخ‌دهی به آنها با هیجان‌ها و عواطف مناسب (بیلینگتون، بارن-کوهن و ویل‌رایت، ۲۰۰۷).

در ادبیات پژوهشی تمرکز اصلی در تعریف همدلی بر شناخت یا هیجان است. در روی‌آورد نقش‌پذیری شناختی^۲، دیموند^۳ (۱۹۴۹) نقل از زرشقایی، نوری و عریضی، (۱۳۸۹) همدلی را فرایندی می‌داند که در آن شخص، نقش فرد دیگری را به خود می‌گیرد و به گونه‌ای دقیق افکار، احساس‌ها و رفتار وی را درک و پیش‌بینی می‌کند. در حالی که برخی از مولفان (برای مثال مهربانین و اپستین، ۱۹۷۲) همدلی را به عنوان یک پاسخ هیجانی جانشین^۴ به تجارب هیجانی دیگران، تعریف کرده‌اند. در واقع، در نخستین روی‌آورد، بازشناسی احساس‌های دیگران و در روی‌آورد دوم، سهیم شدن در احساس‌ها و هیجان‌های آنها مورد توجه قرار گرفته است (زرشقایی و دیگران، ۱۳۸۹). در حال حاضر محققان بر این باورند که پاسخ همدلانه دارای دو بُعد شناختی و هیجانی است (باولک^۵، ۲۰۰۳) نقل از زرشقایی و دیگران، (۱۳۸۹).

نکته حائز اهمیت آن است که همدلی مبتنی بر توجه به نیازهای دیگران است. شخص همدل از راه‌های مختلف، مانند رفتارهای کلامی و غیرکلامی به خواسته‌ها و نیازهای دیگران پی‌می‌برد و سعی می‌کند، احساسات و عواطف آنها را درک کند (گل‌پرور، عریضی و قهفرخی، ۱۳۸۸). به عبارت دیگر، همدلی در متمایز ساختن افراد در رفتار نوع‌دوستانه نقش مهمی را ایفا می‌کند؛ برخی از افراد با دیدن ناراحتی دیگران بسیار متأثر می‌شوند، در حالی که، بعضی دیگر نسبت به وضعیت هیجانی و احساسی دیگران بی‌اعتنا هستند (زرشقایی و دیگران، ۱۳۸۹). تفاوت‌های فردی در همدلی ناشی از آن است که دستیابی به

- | | | | |
|--------------------------|--------------------------------|--------------------------|--------------------------------|
| 1. empathy | 4. vicarious emotions response | 7. emotional instability | 10. personality disintegration |
| 2. cognitive role taking | 5. Bavolek, S. | 8. emotional regression | 11. lack of independence |
| 3. Dymond, R. F. | 6. emotional maturity | 9. social maladjustment | 12. egocentricism |

اعضای آن به طور مداوم در حال تعریف و بازتعریف ماهیت خود بر مبنای الگوهای ارتباطی هستند. در واقع، شناخت انواع مختلف الگوها به شناخت بعضی از جنبه‌های عملکرد خانواده کمک می‌کند (حسن‌زاده و یوسفی، ۱۳۹۲).

بر همین اساس، فیتزپاتریک و ریچی (۱۹۹۴) دو بُعد زیربنایی جهت‌گیری گفت‌و شنود^۷ و جهت‌گیری هم‌نواپی^۸ را در الگوهای ارتباطی خانواده شناسایی کردند. جهت‌گیری گفت‌و شنود به فضایی اشاره دارد که اعضای خانواده به تعامل‌های خودانگیزخته با یکدیگر و مشارکت در مباحث آزاد در مورد طیف وسیعی از موضوعات و ابراز عقاید جدید تشویق می‌شوند و منظور از جهت‌گیری هم‌نواپی، میزان فشاری است که خانواده بر اعضا برای همراهی و یکسان‌سازی گرایش‌ها، ارزش‌ها و باورها وارد می‌آورد (صبری، البرزی و بهرامی، ۱۳۹۲). ترکیب این دو بُعد، چهار طرحواره ارتباط خانواده را ایجاد می‌کند که الگوهای ارتباط خانواده را تشکیل می‌دهند: خانواده توافق‌کننده^۹، که در هر دو جهت‌گیری گفت‌و شنود و هم‌نواپی نمره بالایی کسب می‌کنند؛ خانواده‌های کثرت‌گرا^{۱۰} که نمره بالایی در جهت‌گیری گفت‌و شنود و نمره پایینی در جهت‌گیری هم‌نواپی به دست می‌آورند؛ خانواده‌های حمایت‌کننده^{۱۱} که نمره بالایی در جهت‌گیری هم‌نواپی و نمره پایینی در جهت‌گیری گفت‌و شنود کسب می‌کنند و خانواده‌های سهل‌گیر^{۱۲} که در هر دو جهت‌گیری نمره پایینی به دست می‌آورند (سپهری و مظاهری، ۱۳۸۸).

با توجه به اهمیت الگوهای ارتباط در خانواده و تأثیر آن بر تحول عاطفی فرزندان، آدلر^{۱۳} نمودار گفت‌و شنود فرد را وابسته به محیط خانوادگی می‌داند و معتقد است، اگر محیط خانواده مملو از همکاری، اعتماد متقابل و احترام باشد، فرد تشویق می‌شود که به طریقی سازنده بر احساس کهنتری خود غلبه کند (صفارپور، ۱۳۸۵). نتایج پژوهش سامانی و رضویه (۱۳۸۶) مؤید آن است که افرادی با همبستگی خانوادگی بیشتر، از مشکلات عاطفی کمتری رنج می‌برند و افرادی که دارای همبستگی خانوادگی کمتری هستند از مشکلات عاطفی بیشتری رنج می‌برند. همچنین، نتایج تحقیقات نشان داده‌اند، ادراک افراد از

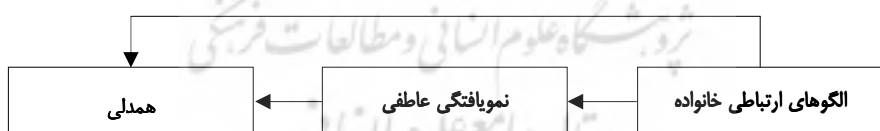
فاقد قابلیت سازش با اجتماع بوده و دارای ویژگی نفرت، گوشه‌گیری، تکبر و دروغ‌گویی است. فروپاشی شخصیت، شامل نشانه‌هایی مانند واکنش‌سازی^۱، هراس^۲، دلیل‌تراشی، بدبینی و رفتار ضداجتماعی است. این مؤلفه نشان‌دهنده شخصیت از هم‌گسیخته است. مؤلفه فقدان استقلال نیز دلالت بر وابستگی فرد به دیگران دارد. وی فاقد رغبت‌های محسوس است و مردم او را غیرقابل اعتماد می‌دانند (منصور نژاد و دیگران، ۱۳۹۲).

با توجه به اینکه نمودار گفت‌و شنود در ایجاد مهارت‌های اجتماعی و بین‌فردی نقش بسزایی دارد، این مؤلفه فرد را در ایجاد رفتارهای همدلانه یاری می‌کند. نتایج پژوهش رابرتز و استرایر (۱۹۹۶) نیز در تأیید این مسئله است. به عقیده این مؤلفان، هر قدر نوجوان بهتر بتواند عواطف و احساس‌های خود را بشناسد و در این زمینه رشد کند، به همان اندازه بهتر می‌تواند با دیگران همدلی کند. از سوی دیگر، افرادی که در رابطه با شناخت هیجان‌های خود مشکل دارند و فاقد توانایی نظم‌دهی هیجان هستند، با حالت‌های هیجانی دیگران کمتر همدلی دارند (تول، مداگلیا و رویمر، ۲۰۰۵) و سازگاری روان‌شناختی کمتری را نشان می‌دهند (اکسترمر، دوران و ری، ۲۰۰۷). در همین راستا، نتایج پژوهش استفان و میکالا (۲۰۱۰) نشان می‌دهند رفتارهای سازش‌نا یافته اجتماعی^۳ از قبیل سرکشی و پرخاشگری که در طول سال‌های پیش‌دبستانی آشکار می‌شوند، فرد را در معرض سوق یافتن به سمت اختلال‌های ارتباطی قرار می‌دهند. بدیهی است رشد عواطف و احساس‌ها با گذشت زمان

شکل می‌گیرد و زمینه‌های سرشتی فرد را نمایان می‌سازد. پس از آن محیط زندگی، شیوه تربیتی و الگوهایی که در پیرامون وی وجود دارند، بیشترین نقش را در رسیدن فرد به نمودار گفت‌و شنود عاطفی و درک عواطف دیگران که در همدلی محقق می‌شود، ایفا می‌کنند (غفوری، ۱۳۹۰). در این میان نقش خانواده، به عنوان نخستین و اصلی‌ترین عاملی که در تکامل ابعاد مختلف تحول شخصیت افراد تأثیر دارد، حائز اهمیت است. واتزلوویک^۴، بیوین^۵ و جکسون^۶ (۱۹۶۷) نقل از رحیمی و خیر، (۱۳۸۶) خانواده را نظامی تعریف می‌کنند که

1. reactivity	5. Beavin, J. H.	9. consensual	13. Adler, A.
2. phobia	6. Jackson, D.	10. pluralistic	
3. social maladjusted behavior	7. conversation orientation	11. protective	
4. Watzlawick, P.	8. conformity orientation	12. laissez faire	

مثبت و هم‌نواپی پیش‌بینی‌کننده منفی همدلی و خویش‌تنداری بود. همدلی، نقش مهمی در زندگی اجتماعی و چگونگی تعامل با دیگران ایفا می‌کند. واضح است فردی قادر به ایجاد رفتارهای همدلانه است که این‌گونه رفتارها را در محیط خانواده و در ارتباط بین اعضای خانواده، تجربه کرده باشد. سپس زمانی که فرزندان با نهادهای آموزشی مانند مدرسه و دانشگاه آشنا می‌شوند، این مهارت را گسترده‌تر فرا می‌گیرند. بنابراین ضرورت آشنایی خانواده‌ها و نهادهای آموزشی، با عوامل تأثیرگذار بر همدلی بسیار مشهود است. در بین عوامل مختلف، خانواده به عنوان اولین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی و نمودیافتگی عاطفی از جمله عواملی هستند که در همدلی افراد، نقش مؤثری را ایفا می‌کنند. در همین راستا، بررسی دستاوردهای پژوهشی، حاکی از خلاء موجود در پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه رابطه الگوهای ارتباطی خانواده، نمودیافتگی عاطفی و همدلی است. به همین دلیل، با سازماندهی پژوهش‌های بیشتر، بر امکان تبیین بهتر و غنای دستاوردهای پژوهشی افزوده می‌شود. بر همین اساس و با الهام از مبانی نظری و بررسی‌های موجود (یو و دیگران، ۲۰۱۳؛ آرشات، ۲۰۱۳؛ کافمن، ۲۰۱۱؛ استفان و میکالا، ۲۰۱۰؛ کلور، ۲۰۰۹؛ تول و دیگران، ۲۰۰۵) پژوهش حاضر، با هدف تعیین نقش واسطه‌ای نمودیافتگی عاطفی در رابطه بین الگوهای ارتباطی خانواده و همدلی دانشجویان مطابق با مدل مفهومی شکل ۱ انجام گرفت تا به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

ارتباطات بین الگوهای ارتباطی خانواده (متغیر برون‌زاد)، نمودیافتگی عاطفی (متغیر واسطه) و همدلی (متغیر درون‌زاد)، مورد تبیین قرار گرفتند. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش، متشکل از کلیه دانشجویان دختر و پسر مقطع کارشناسی دانشگاه شیراز در سال تحصیلی ۹۳-۹۲ بود. ۳۰۰ نفر دانشجو (۱۷۹ نفر دختر و ۱۲۱ نفر پسر) با استفاده از روش نمونه‌برداری چند مرحله‌ای انتخاب شدند. نخست از بین دانشکده‌های دانشگاه شیراز سه دانشکده مهندسی، علوم انسانی و علوم تربیتی و روان‌شناسی، سپس از هر دانشکده سه

استحکام و عملکرد خانواده، پیش‌بینی‌کننده سازگاری عاطفی و رفتاری آنهاست (آرشات، ۲۰۱۳). در همین راستا، کومار (۲۰۱۴) و کلور (۲۰۰۹) بر اساس نتایج پژوهش خود بیان می‌دارند، ارتباط و عملکرد خانواده با نمودیافتگی عاطفی افراد رابطه مثبت دارد. نتایج پژوهش لارسن و مونی (۲۰۰۸) نیز بیانگر آن است که نوجوانانی که از نظر کیفی رابطه خوبی را با والدین خود تجربه کرده‌اند، در مقایسه با نوجوانانی که از نظر کیفی رابطه ناچیزی داشته‌اند، از سازش‌یافتگی بیشتری برخوردارند.

در واقع، ارتباط مناسب بین اعضای خانواده، دستیابی به نمودیافتگی عاطفی را در فرد میسر ساخته و توانایی همدلی را افزایش می‌دهد؛ وی را با احساس‌ها و افکار دیگران هماهنگ می‌کند و با دنیای اجتماعی پیوند می‌دهد. در همین راستا، پژوهش‌های متعددی به بررسی رابطه بین متغیرهای خانوادگی و همدلی پرداخته‌اند. یو، فنگ و دی (۲۰۱۳) دریافتند همدلی و رفتار جامعه‌پسند نوجوانان با درک آنان از پاسخگو بودن و مهار روانی والدین و داشتن ارتباط مطلوب با والدین، رابطه دارد. کافمن (۲۰۱۱) در پژوهش خود دریافت که بین انسجام خانوادگی و همدلی افراد رابطه مثبت وجود دارد. خدابخش (۱۳۹۱) نیز رابطه مثبت سبک دلبستگی ایمن و همدلی و رابطه منفی سبک دلبستگی نایمن و همدلی را گزارش کرد. در پژوهشی که توسط رحیمی و یوسفی (۱۳۸۹) انجام شد، جهت‌گیری گفت‌وگوشنود پیش‌بینی‌کننده

- ۱- آیا الگوهای ارتباطی خانواده می‌تواند همدلی و نمودیافتگی عاطفی دانشجویان را پیش‌بینی کند؟
- ۲- آیا نمودیافتگی عاطفی (با مهار الگوهای ارتباطی خانواده) می‌تواند همدلی دانشجویان را پیش‌بینی کند؟
- ۳- آیا نمودیافتگی عاطفی می‌تواند بین الگوهای ارتباطی خانواده و همدلی دانشجویان نقش واسطه‌ای داشته باشد؟

روش

طرح پژوهش حاضر از نوع همبستگی بود و در آن

که نشان‌دهنده روایی مناسب این مقیاس است. همچنین، برای تعیین اعتبار از روش بازآزمایی با فاصله زمانی شش ماه استفاده شد و ضریب $0/75$ را گزارش دادند. صفارپور (۱۳۸۵) نیز روایی مقیاس را مطلوب گزارش کرد و اعتبار این ابزار را با استفاده از روش آلفای کرونباخ و بازآزمایی به ترتیب $0/84$ و $0/62$ به دست آورد. منصورنژاد و دیگران (۱۳۹۲) نیز ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس را بررسی و تأیید کردند. در پژوهش حاضر، برای تعیین روایی از همبستگی نمره هر بُعد با نمره کل استفاده شد که این ضرایب برای زیرمقیاس‌های بی‌ثباتی هیجانی، واپس‌روی هیجانی، سازش‌نایافتگی اجتماعی، فروپاشی شخصیت و عدم استقلال به ترتیب $0/82$ ، $0/90$ ، $0/82$ ، $0/88$ و $0/64$ به دست آمد. همچنین، برای تعیین اعتبار ابعاد و نمره کل در پژوهش حاضر، از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. ضرایب آلفای زیرمقیاس‌ها به ترتیب $0/80$ ، $0/81$ ، $0/69$ ، $0/83$ و $0/60$ و برای کل مقیاس $0/93$ به دست آمد که نشان‌دهنده اعتبار مطلوب این مقیاس است.

پرسشنامه تجدید نظر شده الگوهای ارتباطی خانواده
(فیتزپاتریک و ریچی، ۱۹۹۴). این پرسشنامه خودسنجی دارای ۲۶ ماده است که ادراک فرد را از الگوهای ارتباطی خانواده در دو مؤلفه جهت‌گیری گفت و شنود و همنوایی می‌سنجد. جهت‌گیری همنوایی با ۱۵ ماده اول و جهت‌گیری گفت‌وشنود با ۱۱ ماده بعدی مورد بررسی قرار می‌گیرد. این پرسشنامه برحسب مقیاس لیکرت پنج‌درجه‌ای نمره‌گذاری می‌شود. هیچ‌یک از ماده‌های این پرسشنامه به صورت معکوس نمره‌گذاری نمی‌شود. کوئرنر و فیتزپاتریک (۲۰۰۲) روایی محتوایی، ملاکی و سازه این پرسشنامه را مطلوب گزارش کرده‌اند. این پژوهشگران، بررسی اعتبار پرسشنامه را نیز با استفاده از محاسبه آلفای کرونباخ و بازآزمایی انجام دادند و به ترتیب ضرایب $0/89$ و $0/79$ را برای مؤلفه جهت‌گیری گفت و شنود و همنوایی گزارش کردند. ضرایب بازآزمایی نیز برای مؤلفه جهت‌گیری گفت و شنود و همنوایی به ترتیب $0/99$ و $0/73$ محاسبه شد. در ایران نیز کوروش‌نیا (۱۳۸۵) ضرایب آلفای کرونباخ جهت‌گیری گفت و شنود و جهت‌گیری همنوایی را به

گروه و از هر گروه یک کلاس به صورت تصادفی انتخاب شدند و کلیه دانشجویان حاضر در کلاس‌ها مورد آزمون قرار گرفتند. جدول ۱ توزیع فراوانی آزمودنی‌ها را برحسب دانشکده و جنس به تفکیک نشان می‌دهد.

جدول ۱
توزیع فراوانی گروه نمونه

دانشکده	دختر	پسر	تعداد	درصد
مهندسی	۳۹	۳۹	۸۸	۲۹/۴
علوم انسانی	۶۷	۴۵	۱۱۲	۳۷/۳
علوم تربیتی و روان‌شناسی	۶۳	۳۷	۱۰۰	۳۳/۳
کل	۱۷۹	۱۲۱	۳۰۰	۱۰۰

برای جمع‌آوری داده‌ها از مقیاس نموداری عاطفی عاطفی^۱ (سینگ و بهارگاوا، ۱۹۷۴)، پرسشنامه تجدیدنظر شده الگوهای ارتباطی خانواده^۲ (فیتزپاتریک و ریچی، ۱۹۹۴) و مقیاس همدلی^۳ (مهرابیان و ایتین، ۱۹۷۲) استفاده شد.

مقیاس نموداری عاطفی (سینگ و بهارگاوا، ۱۹۷۴).

این مقیاس یک مقیاس خودسنجی است که پنج حوزه نموداری عاطفی یعنی، بی‌ثباتی هیجانی، واپس‌روی هیجانی، سازش‌نایافتگی اجتماعی، فروپاشی شخصیت و فقدان استقلال را می‌سنجد. این مقیاس از ۴۸ ماده تشکیل شده است که به چهار زیرمقیاس اول، ۱۰ ماده و به زیرمقیاس پنجم (فقدان استقلال) هشت ماده تعلق می‌گیرد. آزمودنی، میزان انطباق وضعیت فعلی خود را با محتوای هر ماده روی طیف پنج درجه‌ای لیکرت از یک (هرگز) تا پنج (خیلی زیاد) مشخص می‌کند. حاصل جمع نمره‌های ۴۸ ماده، یک نمره کلی به دست می‌دهد که مبین میزان نموداری عاطفی فرد است. هر چه نمره فرد در این مقیاس بالاتر باشد درجه پایین‌تری از نموداری عاطفی را نشان می‌دهد و برعکس. به عبارت دیگر، بیشترین نمره یعنی ۲۴۰ معرف بی‌ثبات‌ترین وضعیت عاطفی و کمترین نمره یعنی ۴۸ نشان‌دهنده باثبات‌ترین وضعیت عاطفی است. سینگ و بهارگاوا (۱۹۷۴) روایی این مقیاس را در برابر استانداردهای بیرونی با استفاده از سیاهه سازگاری عاطفی^۴ (سینها^۵ و سینگ^۶، ۱۹۶۸ نقل از ایمانی و محب، ۱۳۸۸) مورد بررسی قرار دادند و ضریب همبستگی $0/64$ را گزارش دادند

1. Emotional Maturity Scale

2. Family Communication Patterns Revised Questionnaire

3. Empathy Scale

4. Emotional Adjustment Inventory

5. Sinha, A. K. P.

6. Singh, R. P.

گزارش کردند. در ایران نیز، بشارت، خدابخش، فراهانی و رضازاده (۱۳۹۰) رویی سازه این مقیاس را از طریق تحلیل عاملی اکتشافی بررسی و تأیید کردند و ضریب آلفای کرونباخ $0/91$ را به دست آوردند. در پژوهش حاضر، برای بررسی رویی از ضریب همبستگی هر ماده با نمره کل استفاده شد. دامنه ضرایب همبستگی $0/61-0/26$ به دست آمد. ضریب آلفای کرونباخ نیز $0/76$ به دست آمد که حاکی از اعتبار مطلوب این مقیاس است. یافته‌ها با روش تحلیل رگرسیون چندگانه به شیوه همزمان^۱ (برای بررسی مسیرهای موجود در مدل) با استفاده از مراحل بارون و کنی (۱۹۸۶) تحلیل شدند.

یافته‌ها

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهند بُعد جهت‌گیری گفت‌و شنود با تمامی مؤلفه‌های نمودارهای عاطفی رابطه منفی معنادار و با همدلی، رابطه مثبت معنادار دارد. همچنین بُعد جهت‌گیری همنوایی با مؤلفه‌های بی‌ثباتی هیجانی، واپس‌روی هیجانی، سازش‌نایافتگی اجتماعی و فروپاشی شخصیت، رابطه مثبت معنادار دارد، در حالی که با مؤلفه عدم استقلال و همدلی رابطه معنادار ندارد. افزون بر آن، از بین مؤلفه‌های نمودارهای عاطفی، بی‌ثبات هیجانی با همدلی رابطه معنادار ندارد ولی مؤلفه‌های واپس‌روی هیجانی، سازش‌نایافتگی اجتماعی، فروپاشی شخصیت و عدم استقلال رابطه منفی معنادار با همدلی دارند.

ترتیب $0/87$ $0/81$ به دست آورد و برای احراز رویی از روش تحلیل عاملی و همسانی درونی (ضریب همبستگی مقیاس گفت‌و شنود و همنوایی با نمره کل، به ترتیب $0/75$ و $0/44$) استفاده کرد که نتایج مطلوب گزارش شده‌اند. در همین راستا، جوکار و رحیمی (۱۳۸۶)، دهقانی‌زاده و حسین‌چاری (۱۳۹۱) و حسن‌زاده و یوسفی (۱۳۹۲) شاخص‌های رویی و اعتبار پرسشنامه را مطلوب گزارش کرده‌اند. در پژوهش حاضر، جهت تعیین رویی، ضریب همبستگی هر ماده با نمره بُعد مربوط به خود محاسبه شد. دامنه ضرایب همبستگی برای بُعد جهت‌گیری گفت‌و شنود $0/75-0/42$ و برای بُعد جهت‌گیری همنوایی $0/76-0/58$ به دست آمد. میزان ضرایب آلفای کرونباخ برای جهت‌گیری گفت‌و شنود $0/90$ و برای جهت‌گیری همنوایی $0/87$ به دست آمد که حاکی از اعتبار مطلوب پرسشنامه بود.

مقیاس همدلی (مهربانان و اپستین، ۱۹۷۲). این مقیاس خودسنجی که میزان همدلی فرد را می‌سنجد، تک‌عاملی و شامل ۳۳ ماده است و ماده‌ها بر اساس مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت نمره‌گذاری می‌شوند. بدین ترتیب دامنه نمره بین ۳۳ تا ۱۶۵ خواهد بود. برخی از ماده‌ها به دلیل ماهیت و محتوای آنها، به صورت معکوس (ماده‌های ۲، ۳، ۶، ۱۱، ۱۳، ۱۵، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۶، ۲۸، ۳۰، ۳۲ و ۳۳) نمره‌گذاری می‌شوند. مهربانان و اپستین (۱۹۷۲) برای تعیین رویی این ابزار از روش تحلیل عاملی استفاده و اعتبار آن را براساس ضریب آلفای کرونباخ، $0/84$

جدول ۲

ضرایب همبستگی، میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش

متغیر	M	SD	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱. گفت و شنود	۴۸/۸۱	۱۱/۳۳	-							
۲. همنوایی	۲۵/۹۸	۸/۶۷	$-0/31^*$	-						
۳. بی‌ثباتی هیجانی	۲۴/۸۰	۷/۴۰	$-0/31^*$	$0/28^*$	-					
۴. واپس‌روی هیجانی	۲۲/۷۴	۷/۶۳	$-0/38^*$	$0/21^*$	$0/74^*$	-				
۵. سازش‌نایافتگی اجتماعی	۲۲/۶۵	۶/۲۷	$-0/30^*$	$0/23^*$	$0/58^*$	$0/65^*$	-			
۶. فروپاشی شخصیت	۲۰/۲۰	۷/۴۳	$-0/46^*$	$0/18^*$	$0/57^*$	$0/75^*$	$0/69^*$	-		
۷. عدم استقلال	۱۹/۷۴	۴/۶۰	$-0/19^*$	$0/08$	$0/36^*$	$0/46^*$	$0/44^*$	$0/54^*$	-	
۸. نمودارهای عاطفی (کل)	۱۰۹/۸۸	۲۷/۵۷	$-0/41^*$	$0/25^*$	$0/82^*$	$0/90^*$	$0/82^*$	$0/88^*$	$0/64^*$	-
۹. همدلی	۱۱۰/۵۲	۱۲/۷۴	$0/25^*$	$0/06$	$0/08$	$0/12^*$	$0/26^*$	$0/30^*$	$0/27^*$	$0/20^*$

* $P < 0/01$

اساس مراحل پیشنهادی بارون و کنی (۱۹۸۶) در تحلیل مسیر استفاده شد. بدین ترتیب که در مرحله اول، رگرسیون همدلی بر الگوهای ارتباطی خانواده و در مرحله دوم، رگرسیون مؤلفه‌های

رابطه معنادار بین متغیرهای پژوهش، امکان انجام تحلیل‌های بعدی را فراهم ساخت. در ادامه به منظور پاسخ به پرسش‌های پژوهش، از روش تحلیل رگرسیون چندگانه به شیوه همزمان بر

کنترل الگوهای ارتباطی خانواده محاسبه شد. در جدول ۳ خلاصه نتایج این تحلیل‌ها ارائه شده است.

نمویافتگی عاطفی بر الگوهای ارتباطی خانواده محاسبه شد. در مرحله سوم رگرسیون همدلی بر مؤلفه‌های نمویافتگی عاطفی با

جدول ۳

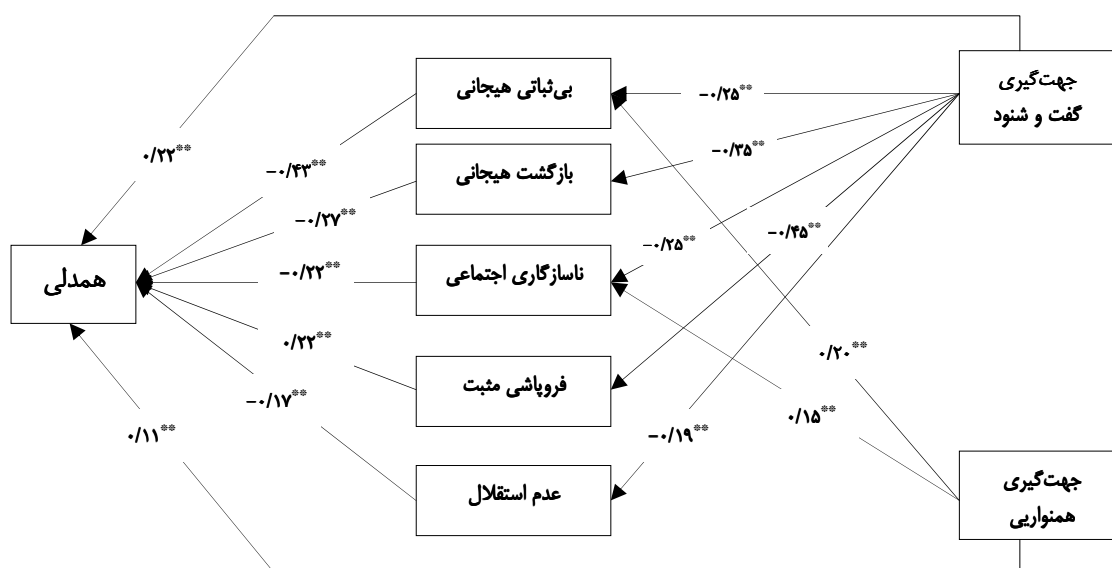
نتایج تحلیل رگرسیون همدلی بر الگوی ارتباطی خانواده با واسطه نمویافتگی عاطفی بر اساس مراحل بارون و کنی (۱۹۸۶)

مرحله	متغیرهای پیش‌بین	متغیر ملاک	F	R	R ²	β	t
اول	گفت‌وشنود	همدلی	۱۳/۵۵**	۰/۲۹	۰/۰۸	۰/۳۰	۵/۱۰**
	همنوایی		۲/۵۸**	۰/۱۵			
دوم	گفت‌وشنود	بی‌ثباتی هیجانی	۲۳/۴۳**	۰/۳۷	۰/۱۴	-۰/۲۵	-۴/۴۰**
	همنوایی		۳/۶۰**	۰/۲۰			
	گفت‌وشنود	واپس روی هیجانی	۲۷/۱۹**	۰/۳۹	۰/۱۵	-۰/۳۵	-۶/۲۳**
	همنوایی		۱/۷۹	۰/۱۰			
	گفت‌وشنود	سازش‌نیافتگی اجتماعی	۱۸/۳۵**	۰/۳۳	۰/۱۱	-۰/۲۵	-۴/۴۰**
	همنوایی		۲/۵۸**	۰/۱۵			
	گفت‌وشنود	فروپاشی شخصیت	۴۰/۲۵**	۰/۴۶	۰/۲۱	-۰/۴۵	-۸/۲۳**
	همنوایی		۰/۸۲	۰/۰۴			
	گفت‌وشنود	فقدان استقلال	۵/۷۹**	۰/۱۹	۰/۰۴	-۰/۱۹	-۳/۱۳**
	همنوایی		۰/۳۰	۰/۰۲			
سوم	گفت‌وشنود	همدلی	۱۵/۸۱	۰/۵۲	۰/۲۷	۰/۲۲	۳/۷۵**
	همنوایی		۲/۰۷*	۰/۱۱			
	بی‌ثباتی هیجانی	واپس روی هیجانی				-۰/۴۳	-۵/۶۱**
	سازش‌نیافتگی اجتماعی		۰/۴۳	۰/۰۴			
	فروپاشی شخصیت	فقدان استقلال				-۰/۲۷	-۳/۶۵**
			۰/۲۲	۰/۲۲			
					-۰/۱۷	-۲/۸۴**	

* $P \leq 0.05$ ** $P \leq 0.01$

رابطه بین الگوهای ارتباطی خانواده و همدلی، ضرایب به‌دست آمده از مراحل اول و سوم مورد مقایسه قرار گرفت. این مقایسه نشان می‌دهد با ورود متغیر واسطه‌ای ضرایب بتا متغیرهای برون‌زاد (ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده) کاهش یافته است. این افزایش قدرت تبیین واریانس و کاهش ضرایب بتا متغیرهای برون‌زاد حاکی از آن است که نمویافتگی عاطفی، بین الگوهای ارتباطی خانواده و همدلی نقش واسطه‌ای مهمی ایفا می‌کند. لازم به ذکر است، از بین مؤلفه‌های نمویافتگی عاطفی که در این تحلیل به صورت همزمان با متغیر الگوهای ارتباطی خانواده وارد تحلیل رگرسیون شدند، تنها مؤلفه واپس روی هیجانی قادر به پیش‌بینی معنادار همدلی نبود در حالی که سایر مؤلفه‌های نمویافتگی عاطفی، پیش‌بینی‌کننده منفی و معنادار همدلی بودند. خلاصه نتایج تحلیل‌های مربوط به جدول فوق پس از حذف مسیرهای غیرمعنادار در قالب نمودار تحلیل مسیر در شکل ۲ ارائه شده است.

همان‌گونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، در مرحله اول بر اساس مراحل پیشنهادی بارون و کنی (۱۹۸۶)، از ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده، هر دو بُعد جهت‌گیری گفت و شنود و همنوایی، همدلی را به‌صورت مثبت معنادار پیش‌بینی کرده‌اند. نتایج در مرحله دوم حاکی از آن است که از بین ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده، جهت‌گیری گفت‌وشنود به‌طور منفی معنادار قادر به پیش‌بینی تمامی مؤلفه‌های نمویافتگی عاطفی بوده است. افزون بر آن، جهت‌گیری همنوایی قادر به پیش‌بینی مثبت معنادار مؤلفه‌های بی‌ثباتی هیجانی و سازش‌نیافتگی اجتماعی بوده است، درحالی‌که این بُعد از الگوهای ارتباطی خانواده، مؤلفه‌های واپس روی هیجانی، فروپاشی شخصیت و فقدان استقلال را به‌طور معناداری پیش‌بینی نکرده است. در مرحله سوم، رگرسیون همدلی بر نمویافتگی عاطفی با کنترل الگوهای ارتباطی خانواده محاسبه شد. به منظور بررسی نقش واسطه‌ای نمویافتگی عاطفی در



شکل ۲. مدل نهایی پژوهش اثر الگوهای ارتباطی خانواده بر همدلی با واسطه نمودارهای عاطفی
 $P \leq 0.05$ $**P \leq 0.01$

بحث

همین دلیل، رفتارهای همدلانه در فرزندان چنین خانواده‌هایی نمایان می‌شود. این یافته، با نتایج پژوهش‌های یو و دیگران (۲۰۱۳)، کافمن (۲۰۱۲)، خدابخش (۱۳۹۱) و رحیمی و یوسفی (۱۳۸۹) همسو است، در حالی که قدرت پیش‌بینی‌کنندگی مثبت و معنادار جهت‌گیری همنوایی بر همدلی نشان از ناهمسویی با نتایج این پژوهش‌ها دارد. در واقع، خانواده‌هایی با جهت‌گیری همنوایی بالا، از ارتباطات باز جهت حفظ سلسله مراتب قدرت خانواده و همرنگی اعضا با هم اجتناب می‌کنند (رحیمی و یوسفی، ۱۳۸۹). جهت‌گیری همنوایی در خانواده، شرایطی را برای فرزندان ایجاد می‌کند که افکار، گرایش‌ها، اعمال و حتی ادراک آنها تحت تأثیر افکار، گرایش‌ها، اعمال و ادراک والدین قرار گیرد. برخی از روی‌آوردها با خاطر نشان ساختن این نکته که در مفهوم جهت‌گیری همنوایی، توجه به عقاید و احساس‌های دیگران مستتر است (بخت‌شکوهی، پورشریفی و محمودعلیلو، ۱۳۹۱) بیان می‌دارند همنوایی عبارت است از فراگیری نحوه درک احساس‌های دیگران (فتی، ۱۳۸۵). از طرفی با توجه به جمع‌گرا بودن فرهنگ ایرانی که احتمالاً در آن، جهت‌گیری همنوایی بیشتری وجود خواهد داشت، نیاز به تأیید اجتماعی از اهمیت خاصی برخوردار است. بنابراین، افراد سعی می‌کنند بیشتر رفتاری را انجام دهند که تصور می‌کنند دیگران از آنها انتظار دارند (بخت‌شکوهی و دیگران، ۱۳۹۱) و

پژوهش حاضر با هدف تعیین نقش واسطه‌ای نمودارهای عاطفی در رابطه بین الگوهای ارتباطی خانواده و همدلی دانشجویان انجام گرفت. بر همین اساس، یافته‌های حاصل از تحلیل رگرسیون حاکی از آن بود که در بررسی نقش پیش‌بینی‌کنندگی ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده بر همدلی، هر دو بُعد جهت‌گیری گفت‌و شنود و همنوایی پیش‌بینی‌کننده مثبت معنادار همدلی بودند. قدرت پیش‌بینی‌کنندگی جهت‌گیری گفت‌و شنود بر همدلی ناشی از آن است که خانواده‌های دارای این جهت‌گیری، روابط خودانگیزه و آزادانه بیشتری را ایجاد می‌کنند. بنابراین والدین بیشتر درباره افکار و احساس‌های خود با فرزندان‌شان صحبت می‌کنند و با تشویق آنها به ابراز هیجان‌های خود، توجه آنها را به انگیزه‌ها و احساس‌های دیگران جلب می‌کنند. به همین دلیل، فرزندان مهارت ابراز هیجان‌های مثبت و منفی خود را به دست می‌آورند و قادر به درک هیجان‌ها و احساس‌های خود و دیگران هستند (تجلی و لطیفیان، ۱۳۸۷). در خانواده‌های با جهت‌گیری گفت‌و شنود، فرزندان احساس می‌کنند که والدین آنها را درک می‌کنند و برای آنها ارزش قائلند، در نتیجه خوش‌بینی نسبت به دیگران، دوست داشتن دیگران، توجه به عواطف و احساس‌های دیگران در آنها رشد می‌یابد (بروکس^۱، ۱۹۹۷ نقل از صبری و دیگران، ۱۳۹۲). به

هیجانی در شرایط مختلف، عدم پرخاشگری، خودمیان‌بینی، بدبینی و هراس، توانایی سازش با شرایط، سازش‌یافتگی اجتماعی و استقلال است که مجموع این توانایی‌ها به افزایش نمودیافتگی عاطفی منجر می‌شود. ادامه بررسی نتایج نشان می‌دهد بعد جهت‌گیری هم‌نوایی قادر به پیش‌بینی مثبت معنادار مؤلفه‌های بی‌ثباتی هیجانی و سازش‌نایافتگی اجتماعی است. در حالی که این بعد، قادر به پیش‌بینی معنادار مؤلفه‌های واپس‌روی هیجانی، فروپاشی شخصیت و فقدان استقلال نبود. در واقع، خانواده‌های با جهت‌گیری هم‌نوایی بر همسان بودن بازخوردها، عقاید و اجتناب از تعارض تأکید دارند که همین امر سبب می‌شود فرزندان کمتر احساس‌های خود را بروز دهند و تحت تأثیر فشار روانی و نگرانی که از درون آنها نشأت می‌گیرد، قرار گیرند و شناخت کمتری نسبت به هیجان‌ها و عواطف خود داشته باشند. این نوع تعامل‌ها، ویژگی‌هایی همچون برانگیختگی، شتاب‌زدگی، بی‌قراری، تحریک‌پذیری و زودرنجی را که از شاخصه‌های بی‌ثبات هیجانی هستند، در پی خواهد داشت. همچنین تأکید بر هم‌نوایی با وجود اختلاف نظر و تعارض با والدین، می‌تواند مشکلات روان‌شناختی را به فرد تحمیل کند و امکان پدیدایی رفتارهای سازش‌نایافته را فراهم سازد (دهقانی‌زاده و حسین‌چاری، ۱۳۹۱)، زیرا در مواردی که فرد تشویق شود خود را با شرایط خانواده وفق داده و حرف‌شنوی داشته باشد، به گونه‌ای رفتار می‌کند که والدین انتظار دارند. در این شرایط فرد از شخصیتی نمودنیافته برخوردار خواهد شد که در موقعیت‌های مختلف اجتماعی، توانایی سازش با موقعیت را از دست خواهد داد. سامانی و رضویه (۱۳۸۶)، آرشات (۲۰۱۳)، کلور (۲۰۰۹) و لارسن و مونی (۲۰۰۸) نتایج مشابهی را با سازه‌های مرتبط گزارش کرده‌اند که نشان‌دهنده همسویی با نتایج پژوهش حاضر است. در تبیین این یافته که جهت‌گیری هم‌نوایی، مؤلفه‌های واپس‌روی هیجانی، فروپاشی شخصیت و فقدان استقلال را به طور معناداری پیش‌بینی نکرده است، باید ادعان داشت این یافته با نتایج پژوهش‌های مذکور ناهم‌سوست. در این راستا، می‌توان این موضوع را درمناظر قرار داد که در خانواده‌های با جهت‌گیری هم‌نوایی، اگرچه سلسله مراتب قدرت مشخص شده و بازخوردها، ارزش‌ها و عقاید همسان‌اند، همه تلاش‌ها در جهت پرهیز از کشمکش است و روابط درون خانواده

مهارت‌هایی را کسب کنند تا این نیاز را ارضا کند. به همین دلیل در روابط خود با دیگران سعی در جلب نظر و درک احساس‌ها و هیجان‌های آنها دارند و رفتارهای همدلانه از خود بروز می‌دهند. بنابراین، شاید طبیعی است که در فرهنگ جمع‌گرا، هم‌نوایی با والدین آثار مثبتی هم داشته باشد. شایان ذکر است که اگرچه هر دو بُعد جهت‌گیری گفت‌وشنود و هم‌نوایی پیش‌بینی‌کننده‌های مثبت معنادار همدلی هستند، اما قدرت پیش‌بینی‌کنندگی جهت‌گیری گفت‌وشنود بیشتر است. به عبارتی، فرزندان خانواده‌هایی که در آن، تعامل‌ها باز و بلامانع‌اند و اعضای خانواده در مورد موضوع‌های مختلف با یکدیگر گفت‌وگو می‌کنند، نسبت به فرزندان خانواده‌هایی که جوی مبتنی بر هم‌نوایی دارند، راحت‌تر عواطف و احساس‌های خود را ابراز می‌کنند (حسن‌زاده و یوسفی، ۱۳۹۲) و هیجان‌ها و احساس‌های دیگران را بهتر درک می‌کنند. بنابراین، آمادگی خانواده‌های با گفت‌وشنود بالا، جهت پرورش فرزندان همدل بیشتر است.

در راستای بررسی نقش پیش‌بینی‌کنندگی ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده بر نمودیافتگی عاطفی، یافته‌ها حاکی از آن است که بُعد جهت‌گیری گفت‌وشنود پیش‌بینی‌کننده منفی معنادار هر یک از مؤلفه‌های نمودیافتگی عاطفی است. بنابراین، خانواده‌هایی که اعضای خانواده به طور آزاد و مکرر با یکدیگر بدون هیچ محدودیتی ارتباط دارند و افراد احساس‌های خود را راحت بیان می‌کنند، از ارتباطات و تعامل‌های بالایی برخوردارند (کشتکاران، ۱۳۸۸) و فرزندان به نمودیافتگی عاطفی بیشتری دست می‌یابند. این یافته تأییدی بر نتایج پژوهش سامانی و رضویه (۱۳۸۶)، کومار (۲۰۱۴)، آرشات (۲۰۱۳)، کلور (۲۰۰۹) و لارسن و مونی (۲۰۰۸) است که با سازه‌های مشابه این رابطه را بررسی کرده‌اند. به همین دلیل، به نظر می‌رسد خانواده‌های با جهت‌گیری گفت‌وشنود، این فرصت را به فرزندان می‌دهند تا درباره عواطف و هیجان‌های خود تأمل کنند و با مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها، در انتخاب عقاید و تصمیم‌ها آزاد باشند. افزون بر آن، دید مثبت این خانواده‌ها نسبت به عواطف، به فرزندان کمک می‌کند درک عاطفی بالایی داشته و از کنترل عاطفی بالایی برخوردار باشند. به عبارت دیگر، جهت‌گیری گفت‌وشنود در خانواده، ویژگی‌هایی را در فرزندان ایجاد می‌کند که شامل توانایی حفظ ثبات و تعادل

بر ارتباطات بیرون ترجیح داده می‌شود (جوکار و رحیمی، ۱۳۸۶)، اما ساختار حمایتی و نیز هماهنگی علایق شخصی با علایق خانوادگی، گاه موجب رضایت افراد در محیط خانواده می‌شود. این امر به خصوص در فرهنگ‌های جمع‌گرا که هم‌نواپی، پایه اصلی ارتباطات خانوادگی را تشکیل می‌دهد، بیشتر نمود پیدا می‌کند. به ویژه آنکه هدف از این‌گونه تعامل‌ها در فرهنگ‌های جمع‌گرا حفظ انسجام خانوادگی و ممانعت از فروپاشی آن است. بنابراین، لزوماً جهت‌گیری هم‌نواپی موجب احساس کهنتری، پرخاشگری، عدم اعتماد به خود^۱ و خودمیان‌بینی که از ویژگی‌های واپس‌روی هیجانی است یا موجب هراس، عقلی‌سازی^۲ و فرافکنی^۳ که از ویژگی‌های فروپاشی شخصیت است یا سلب کامل استقلال فردی نمی‌شود، زیرا ممکن است فرزندان در تعامل با والدین یاد بگیرند که در موقعیت‌های مختلف چگونه تصمیم‌گیری کرده و در چالش‌ها کدام راه را انتخاب کنند. به طور کلی، نتایج حاکی از آن است که جهت‌گیری هم‌نواپی بالا در خانواده منجر به نمودارهای عاطفی کمتر فرد می‌شود.

افزون بر آن، نتایج نشان دادند از بین مؤلفه‌های نمودارهای عاطفی، مؤلفه بی‌ثباتی هیجانی، سازش‌ناپافتگی اجتماعی، فروپاشی شخصیت و فقدان استقلال به طور منفی معنادار همدلی را پیش‌بینی می‌کنند و تنها مؤلفه واپس‌روی هیجانی قادر به پیش‌بینی معنادار همدلی نبوده است. به عبارت دیگر، هر چه نمودارهای عاطفی فرد بیشتر باشد، همدلی او بیشتر است. این یافته با نتایج پژوهش رابرتز و استرایر (۱۹۹۶)، تول و دیگران (۲۰۰۵) و استفان و میکالا (۲۰۱۰) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت فردی که از نظر عاطفی نمودارهای یافته است، دارای ویژگی‌هایی چون ثبات هیجانی در موقعیت‌های مختلف، عدم شتاب‌زدگی در امور زندگی و سازش‌یافتگی با شرایط مختلف اجتماعی است. افزون بر آن، حائز ویژگی‌های اعتماد به خود، فقدان تنیدگی، اضطراب، بدبینی و عدم وابستگی به دیگران است. این ویژگی‌ها باعث می‌شوند که فرد در قضاوت خود در مورد عواطف دیگران، اطلاعات بیشتری را کسب کند (ریکارد^۴ و کامبرک^۵، ۱۹۹۵ نقل از غفوری، ۱۳۹۰)، و با وسعت بخشیدن به پاسخدهی مبتنی بر همدلی، امکان درک افکار، احساس‌ها و هیجان‌های

دیگران را فراهم آورد (وزیری و لطفی‌عظیمی، ۱۳۹۰). برای تبیین این مسئله که مؤلفه واپس‌روی هیجانی قادر به پیش‌بینی معنادار همدلی نبوده است، می‌توان ویژگی‌های مؤلفه واپس‌روی هیجانی را مدنظر قرار داد؛ ویژگی‌هایی چون احساس کهنتری، بی‌قراری، خصومت، پرخاشگری و خودمیان‌بینی باعث می‌شود فرد توانایی تشخیص دقیق هیجان‌های خود و دیگران را از دست دهد و به دلیل وجود برانگیختگی، بر اطلاعات سازش‌ناپافته و متعارض تأکید کند. بنابراین در روابط اجتماعی، دقیقاً نمی‌داند چه اتفاقی در حال روی دادن است. بدین ترتیب در شرایط مختلف درک وی از احساس‌ها و عواطف دیگران، متناقض است. به همین دلیل می‌توان عدم توان مؤلفه واپس‌روی هیجانی را در پیش‌بینی همدلی توجیه کرد.

هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی اثر الگوهای ارتباطی خانواده بر همدلی با واسطه نمودارهای عاطفی بود. یافته‌ها نشان دادند میزان پیش‌بینی‌کنندگی جهت‌گیری گفت و شنود و هم‌نواپی بر همدلی با وارد کردن مؤلفه‌های نمودارهای عاطفی به عنوان متغیر واسطه در تحلیل رگرسیون کاهش یافت. این امر مهم‌ترین شاخص برای مطرح ساختن نمودارهای عاطفی به عنوان متغیر واسطه‌ای سهمی^۶ است. به عبارت دیگر، نمودارهای عاطفی، افزون بر آنکه بر همدلی تأثیر مستقیم دارد، به عنوان یک متغیر واسطه‌ای بین الگوهای ارتباطی خانواده و همدلی نیز نقش ایفا می‌کند. در واقع، ارتباط مؤثر در خانواده، زمینه‌دستیابی به نمودارهای عاطفی را فراهم می‌سازد و فرد را در شناخت و کنترل احساس‌ها و هیجان‌های خود یاری می‌دهد و از این طریق فرد توانایی درک احساس‌ها و هیجان‌های دیگران را که در همدلی بروز می‌یابد، به دست می‌آورد. شایان توجه است که نمودارهای عاطفی نقش اساسی در همدلی ایفا می‌کند.

در مجموع براساس یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان دریافت الگوهای ارتباطی خانواده پیش‌بینی‌کننده همدلی است. بدین ترتیب که از یک‌سو با اثرگذاری بر نمودارهای عاطفی به عنوان متغیر واسطه، به صورت غیرمستقیم تأثیر خود را اعمال می‌کند و از سوی دیگر به صورت مستقیم بر همدلی تأثیر

1. self-trust

2. rationalization

3. projection

4. Ricard, M.

5. Kamberk, M.

6. partial mediation

افزون بر آن، در پژوهش حاضر، تنها دو بُعد جهت‌گیری گفت و شنود و هم‌نوایی مورد بررسی قرار گرفتند و چهار نوع الگوی ارتباطی خانواده تفکیک نشدند. بنابراین، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، چهار نوع الگوی ارتباطی خانواده، بر اساس دو جهت‌گیری گفت‌و شنود و هم‌نوایی بررسی شود تا مشخص شود کدام یک از جهت‌گیری‌های ارتباطی خانواده می‌تواند هم‌مدلی کودکان را بیشتر تحت تأثیر قرار دهد.

منابع

- ایمانی، ر. و محب، ن. (۱۳۸۸). رابطه بین بلوغ عاطفی مادران با اختلالات رفتاری فرزندان‌شان. *مجله زن و مطالعات خانواده*، ۲ (۶)، ۲۹-۴۹.
- بخت‌شکوهی، س.، پورشریفی، ح. و محمودعلیلو، م. (۱۳۹۱). تأثیر آموزش مهارت تفکر انتقادی در هم‌نوایی و گرایش به تفکر انتقادی نوجوانان مقطع راهنمایی در سال تحصیلی ۹۰-۹۱. *فصلنامه روان‌شناسی معاصر*، ۷، ۴۶۶-۴۶۲.
- بشارت، م.، خدابخش، م.، فراهانی، ح. و رضازاده، س. م. (۱۳۹۰). نقش واسطه‌ای خودشیفتگی در رابطه بین هم‌مدلی و کیفیت روابط بین شخصی. *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*، ۵ (۱)، ۲۳-۷.
- تجلی، ف. و لطیفیان، م. (۱۳۸۷). تأثیر ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده بر سلامت روان با واسطه هوش هیجانی نوجوانان. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۴ (۱۱۶)، ۴۲۲-۴۰۷.
- جوکار، ب. و رحیمی، م. (۱۳۸۶). بررسی تأثیر الگوهای ارتباطی خانواده بر شادی در گروهی از دانش‌آموزان دختر و پسر دبیرستانی شهر شیراز. *مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، ۱۳ (۴)، ۳۸۴-۳۷۴.
- حسن‌زاده، م. و یوسفی، ف. (۱۳۹۲). رابطه بین الگوهای ارتباطی خانواده و خلاقیت اجتماعی دانش‌آموزان. *مجله علوم رفتاری*، ۷ (۲)، ۱۱۶-۱۰۹.
- خدابخش، م. (۱۳۹۱). رابطه سبک‌های دلبستگی با هم‌مدلی در دانشجویان پرستاری. *نشریه پرستاری ایران*، ۲۵ (۷۷)، ۴۹-۴۰.
- دهقانی‌زاده، م. ح. و حسین‌چاری، م. (۱۳۹۱). سرزندگی تحصیلی و ادراک از الگوی ارتباطی خانواده: نقش واسطه‌ای

می‌گذارد. نتایج حاکی از آن است که در بین ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده، بُعد جهت‌گیری گفت‌و شنود در مقایسه با هم‌نوایی، به طور مستقیم و غیرمستقیم تأثیر بیشتری در میزان هم‌مدلی دارد. بنابراین، هر چه خانواده محیطی را فراهم آورد که در آن همه اعضا تشویق به شرکت آزادانه در تعامل، بحث و تبادل نظر درباره موضوع‌ها شوند و همچنین به ابراز احساس‌ها و عقاید خود ترغیب شوند، زمینه‌های نمودارهای عاطفی افراد بیشتر فراهم می‌شود. به طوری که چنین افرادی ظرفیت مهار احساس‌های خود و شناخت آنها را دارند و بر اساس آن عمل کنند. فردی که به نمودارهای عاطفی کاملی رسیده از سازش‌یافتگی بالایی برخوردار است و در زندگی اجتماعی توانایی برقراری ارتباط صحیح با دیگران و پذیرش مسئولیت در قبال خود و دیگران را دارد. از این‌رو، رفتارهای هم‌دلانه وی ارتقا می‌یابد.

یافته‌های این پژوهش را می‌توان از دو جنبه نظری و عملی مورد توجه قرار داد. در قلمرو نظری، این پژوهش با ارائه یک رابطه نظری خاص، گام آغازین در مطالعه الگوهای ارتباطی خانواده، نمودارهای عاطفی و هم‌مدلی محسوب می‌شود. در عمل نیز، یافته‌های این پژوهش می‌تواند دستاوردهای مهمی برای دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت، اعم از خانواده‌ها و نهادهای آموزشی فراهم آورد. نتایج این پژوهش، نقش برجسته جهت‌گیری گفت‌و شنود را در خانواده بر نمودارهای عاطفی و هم‌مدلی فرزندان نشان می‌دهد. بنابراین تهیه برنامه‌های آموزشی و مداخله‌ای اصلاح برای خانواده‌ها و آموزش جهت‌گیری گفت‌و شنود به والدین، می‌تواند مؤثر باشد. همچنین با توجه به اینکه نهادهای آموزشی اعم از دانشگاه و مدرسه، می‌توانند نارسایی موجود در خانواده را تا حدی جبران کنند، بنابراین به وجود آوردن شرایط بحث و تبادل نظر در کلاس و ابراز عقیده و احساس برای افراد، می‌تواند به عنوان راهکاری مفید جهت افزایش نمودارهای عاطفی و افزایش هم‌مدلی افراد، مورد توجه قرار گیرد.

در مورد محدودیت‌های پژوهش قابل ذکر است که این پژوهش، در قالب طرح همبستگی اجرا شد، به همین دلیل، استنباط علی از نتایج آن باید با احتیاط صورت پذیرد. همچنین، اتکای یافته‌های پژوهش به داده‌های حاصل از خودگزارش‌دهی است که یکی دیگر از محدودیت‌های قابل ذکر است.

- خودکارآمدی. *مجله مطالعات آموزش و یادگیری*، ۴ (۲)، ۴۷-۲۱.
- رحیمی، م. و خیر، م. (۱۳۸۶). رابطه الگوهای ارتباطی خانواده و کیفیت زندگی در دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر شیراز. *مطالعات تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی*، ۱۰ (۱)، ۲۵-۵.
- رحیمی، م. و یوسفی، ف. (۱۳۸۹). نقش الگوهای ارتباطی خانواده در همدلی و خویشتنداری فرزندان. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۶ (۴)، ۴۳۳-۴۴۷.
- زرتشقای، م.، نوری، ا. و عریضی، ح. (۱۳۸۹). کفایت شاخص‌های روان‌سنجی نسخه فارسی مقیاس همدلی هیجانی متعادل. *مجله روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، ۱ (۱)، ۵۴-۳۹.
- سامانی، س. و رضویه، ا. (۱۳۸۶). رابطه همبستگی خانوادگی و استقلال عاطفی با مشکلات عاطفی. *فصلنامه پژوهش در سلامت روان‌شناختی*، ۱ (۱)، ۳۷-۳۰.
- سپهری، ص. و مظاهری، م. ع. (۱۳۸۸). الگوهای ارتباطی خانواده و متغیرهای شخصیتی در دانشجویان. *فصلنامه روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، ۶ (۲۲)، ۱۵۰-۱۴۱.
- صبیری، م.، البرزی، م. و بهرامی، م. (۱۳۹۲). رابطه الگوهای ارتباطی خانواده، هوش هیجانی و خلاقیت هیجانی در دانش‌آموزان دبیرستانی. *فصلنامه اندیشه‌های نوین تربیتی*، ۹ (۲)، ۶۳-۳۵.
- صفارپور، آ. (۱۳۸۵). بررسی و مقایسه رابطه‌ی بلوغ عاطفی و سازگاری زناشویی کارکنان مرد متأهل دارای استنباط سالم و ناسالم از خانواده‌های خود در شرکت خطوط لوله نفت منطقه تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شیراز.
- غفوری، ج. (۱۳۹۰). نقش پیش‌بینی‌کنندگی بلوغ عاطفی و عزت نفس در پرخاشگری دانش‌آموزان دبیرستانی شهر شیراز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شیراز.
- فتی، ل. (۱۳۸۵). راهنمای عمل برگزاری کارگاه‌های آموزشی مهارت‌های زندگی. تهران: انتشارات دانژه.
- کشتکاران، ط. (۱۳۸۸). رابطه الگوهای ارتباطی خانواده با تاب‌آوری در دانشجویان دانشگاه شیراز. *فصلنامه دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، ۱۱ (۳۹)، ۵۳-۴۳.
- کوروش‌نیا، م. (۱۳۸۵). بررسی تأثیر ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده بر میزان سازگاری روانی فرزندان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شیراز.
- گل‌پرور، م.، عریضی، ح. و مدنی‌قهفرخی، س. (۱۳۸۸). نقش نگرش به رفاه اجتماعی در رابطه همدلی و گرایش اجتماعی با عدالت اجتماعی. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۹ (۳۳)، ۱۶۳-۱۳۱.
- منصورنژاد، ز.، پورسید، س. ر. و کیانی، ف. و خدابخش، م. (۱۳۹۲). اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی بر تحول بلوغ عاطفی دانشجویان دختر در آستانه ازدواج. *مجله اصول بهداشت روانی*، ۱۵ (۳)، ۱۷۰-۱۵۸.
- وزیری، ش. و لطفی‌عظیمی، ا. (۱۳۹۰). تأثیر آموزش همدلی در کاهش پرخاشگری نوجوانان. *فصلنامه روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، ۸ (۳۰)، ۱۷۵-۱۶۷.
- Arshat, Z. (2013).** Adolescents and parental perception of family strength: Relation to Malay adolescent emotional and behavioral adjustment. *International Journal of Humanities and Social Science*, 3 (18), 163-168.
- Baron, R. M., & Kenny, D. A. (1986).** The moderator-mediator variable distinction in social psychological research: Conceptual, strategic, and statistical considerations. *Journal of Personality and Social Psychology*, 51 (6), 1173-1182.
- Billington, J., Baron- Cohen, S., & Wheelwright, S. (2007).** Cognitive style predicts entry into physical sciences and humanities: Questionnaire and performance tests of empathy and systemizing. *Journal of Learning Individual Differences*, 17, 260-268.
- Chamberlain, V. C. (1960).** *Adolescence to maturity*. London: The Badley Head.
- Extremere, N., Duran, A., & Rey, L. (2007).** Perceived emotional intelligence and dispositional optimism pessimism: Analyzing their role in predicting psychological adjustment among adolescents. *Personality and Individual Differences*, 42 (6), 1069-1079.
- Fitzpatrick, M. A., & Ritchie, L. D. (1994).** Commu-

- York: Hickman Associates.
- Pastey, G. S., & Aminbhavi, V. A. (2006).** Impact of emotional maturity on stress and self-confidence of adolescents. *Journal of the Indian Academy of Applied Psychology*, 32 (1), 66-70.
- Rieffe, C., Ketelear, L., & Wiefferink, C. H. (2010).** Assessing empathy in young children: Construction and validation of an Empathy Questionnaire. *Personality and Individual Differences*, 49(5), 362-367.
- Roberts, W., & Strayer, J. (1996).** Empathy, emotional expressiveness and prosocial behavior. *Child Development*, 67, 449-470.
- Singh, D., Kaur, S., & Dureja, G. (2012).** Emotional maturity differential among university students. *Journal of Physical Education and Sports Management*, 3 (3), 41-45.
- Singh, Y., & Bhargava, M. (1974).** *Emotional Maturity Scale*. New Dehli: Psycho-Educational Testing Centre.
- Stefan, C., & Miclea, M. (2010).** Prevention program for children with emotional and social competencies. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 5, 127-139.
- Tull, M. T., Medaglia, E., & Roemer, L. (2005).** An investigation of the construct validity of the 20-item Toronto Alexithymia Scale through the use of a verbalization task. *Journal of Psychosomatic Research*, 59 (2), 77-84.
- Yoo, H., Feng, X., & Day, R. D. (2013).** Adolescents empathy and prosocial behavior in the family context: A longitudinal study. *Journal of Youth and Adolescence*, 42 (12), 1858-1872.
- nication schemata within the family: Multiple perspective on family interaction. *Human Communication Research*, 20, 275-301.
- Hanania, R. R., Rossnagle, N. B., Higgins, A., & Alessandro, D. (2000).** Development of self and empathy in early infancy: Atypical implications typical. *Infant and Young Children*, 13 (1), 1-13.
- Kaufman, M. (2011).** *How families facilitate the development of empathy in children: A family systems theory perspective*. PhD Dissertation, Kansas State University.
- Kelever, P. (2009).** Goal direction and effectiveness emotional maturity and nuclear family functioning. *Journal of Marital and Family Therapy*, 35 (3), 308-324.
- Koerner, A. F., & Fitzpatrick, M. A. (2002).** Understanding family communication patterns and family functioning: The roles of conversation orientation and conformity orientation. *Communication Yearbook*, 28, 36-68.
- Kumor, S. (2014).** Emotional maturity of adolescent students in relation to their family relationship. *International Research Journal of Social Sciences*, 3 (3), 6-8.
- Laursen, B., & Mooney, S. (2008).** Relationship network quality: Adolescent adjustment and perceptions of relationships with parents and friends. *American Journal of Orthopsychiatry*, 78 (1), 47-53.
- Mehrabian, A., & Epstein, N. A. (1972).** A measure of emotional empathy. *Journal of Personality*, 40, 525-543.
- Menninger, C. W. (1999).** *Emotional maturity*. New



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی